

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

موضوع مناظره: کوروش انسانی عادل یا وحشی؟

تاریخ مناظره: ۱۳۹۵/۰۹/۰۷



kamran

last seen recently

SEND MESSAGE

کوروش پرست



سید عباس

online

SET PROFILE PHOTO

EDIT

شیعه

کانال منهج البدعة الامویة

[https://telegram.me/menhajol\\_beda](https://telegram.me/menhajol_beda)

## kamran: این برای اعضا گویا چشمانشان ضعیفه

هشام از امام صادق (ع) نقل کرد که آن حضرت فرمود: گروهی نزد أميرالمؤمنين (ع) آمدند و عرض کردند: درود بر تو پروردگار ما! علی از آنان خواست توبه کنند، توبه نکردند، چاهی بر آنان کند و در آن آتش افروخت و در کنار آن، چاهی دیگر حفر کرد و میان آن دو چاه را به هم منتهی کرد وقتی توبه نکردند آنان را در چاه انداخت و در چاه دیگر آتش افروخت تا اینکه مردند. با سند صحیح از کتاب روافض مولای متقیان مردم رو میسوزانده، حاجی چون مناظره قواعدی دارع مگه بچه بازیه باید از قبل اعلام بشه برای خودت میبری و میدوزی؟؟

سید امیر: بسم الله

اولا که در روایت آمده آنها از عمل خود توبه نکردند پس اشکال بر مولا نیست بکله آنها توبه نکرده بودند و عدم توبه آنها منجر به صدور حکم شد، همان طور که در آیات شریفه قرآن داریم ما نباید از توبه نا امید بشویم و اگر آنها توبه می کردند دچار این حکم نمی شدند

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

نکته دوم اینجست که روایت مذکور هم از نظر سند ضعیفه

محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله قال: أتى قوم أمير المؤمنين ع فقالوا السلام عليك يا ربنا فاستتابهم فلم يتوبوا فحفر لهم حفيرة و أوقد فيها نارا و حفر حفيرة أخرى إلى جانبها و أفضى بينهما فلما لم يتوبوا ألقاهم في الحفيرة و أوقد في الحفيرة الأخرى حتى ماتوا.

الحديث الثامن: ضعيف.

مرآة العقول ، ج ۲۳ ، ص: ۳۹۹

نکته سوم اینجاست این جماعت کوروش پرست عمری عادت دارند روایات را هر کدام به نفعشان هست را بیاورند حال آنکه ما در کتاب شریف کافی روایتی با سند صحیح داریم که شخصی لواط کرده بود اما با وساطت مولایمان علی علیه سلام شخص لواط کننده را خدا بخشید روایت بسیار زیباست بخوانید و لذت ببرید

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي مَلَأٍ مِنْ أَصْحَابِهِ إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي قَدْ أُوقِبْتُ عَلَى غُلَامٍ فَطَهَّرْنِي فَقَالَ لَهُ يَا هَذَا امْضِ إِلَى مَنْزِلِكَ لَعَلَّ مِرَاراً هَاجَ بِكَ فَلَمَّا كَانَ مِنْ غَدٍ غَادَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُوقِبْتُ عَلَى غُلَامٍ فَطَهَّرْنِي فَقَالَ لَهُ يَا هَذَا امْضِ إِلَى مَنْزِلِكَ لَعَلَّ مِرَاراً هَاجَ بِكَ حَتَّى فَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثًا بَعْدَ مَرَّتِهِ الْأُولَى فَلَمَّا كَانَ فِي الرَّابِعَةِ قَالَ لَهُ يَا هَذَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص حَكَمَ فِي مِثْلِكَ بِثَلَاثَةِ أَحْكَامٍ فَاخْتَرِ أَيَّهِنَّ شِئْتَ قَالَ وَ مَا هُنَّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ ضَرْبَةٌ بِالسَّيْفِ فِي عُنُقِكَ بِالْغَةِ مَا بَلَغَتْ أَوْ إِهْدَاءٌ مِنْ جَبَلٍ مَشْدُودٍ الْيَدَيْنِ وَالرَّجْلَيْنِ أَوْ إِحْرَاقٌ بِالنَّارِ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَيُّهِنَّ أَشَدُّ عَلَيَّ قَالَ الْإِحْرَاقُ بِالنَّارِ قَالَ فَإِنِّي قَدْ اخْتَرْتُهَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ خُذْ لِدَلِيكَ أَهْبَتَكَ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ جَلَسَ فِي تَشَهُدِهِ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ أَتَيْتُ مِنَ الذَّنْبِ مَا قَدْ عَلِمْتُهُ وَ إِنِّي تَخَوَّفْتُ مِنْ ذَلِكَ فَجِئْتُ إِلَى وَصِيِّ رَسُولِكَ وَ ابْنِ عَمِّ نَبِيِّكَ فَسَأَلْتُهُ أَنْ يُطَهِّرَنِي فَخَيْرَنِي بَيْنَ ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ مِنَ الْعَذَابِ اللَّهُمَّ فَإِنِّي قَدْ اخْتَرْتُ أَشَدَّهَا اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِي وَ أَنْ لَا تُحْرِقَنِي بِنَارِكَ فِي آخِرَتِي ثُمَّ قَامَ وَ هُوَ بَاكِ حَتَّى جَلَسَ فِي الْحُفْرَةِ الَّتِي حَفَرَهَا لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ هُوَ يَرَى النَّارَ تَتَّجَّجُ حَوْلَهُ قَالَ فَبَكَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ بَكَى أَصْحَابُهُ جَمِيعاً فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قُمْ يَا هَذَا فَقَدْ أَبْكَيْتَ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةَ الْأَرْضِ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ تَابَ عَلَيْكَ فَقُمْ وَ لَا تُعَاوِدَنَّ شَيْئاً مِنْهُمْ قَدْ فَعَلْتَ

الكافي ج : ٧ ص : ٢٠٢

امام صادق عليه السلام فرمود: «در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام همراه با گروهی از یارانش بود، مردی نزد ایشان آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین، من با پسری آمیزش کرده‌ام؛ مرا پاک کن.» در این جا امام (ع) می‌کوشد که به نحوی اقرار او را مخدوش کند، اما با اصرار وی و چهار مرتبه اقرار، حضرت فرمودند که یکی از این سه مجازات را انتخاب کن؛ و او سوزانده شدن که سخت‌ترین بود انتخاب کرد و گفت: «خدایا، من گناهی کرده‌ام که تو خود می‌دانی و من از این کار ترسیده‌ام و آمده‌ام نزد وصی رسول تو و پسر عمومی پیامبرت و از او خواسته‌ام تا مرا پاک کند. او هم مرا بین سه نوع از عذاب مخیر ساخت. خدایا، من هم سخت‌ترین آن را اختیار کردم. خدایا، از تو می‌خواهم که این را کفاره گناهانم قرار دهی و مرا با آتش در آخرت نسوزانی. سپس در حالی که می‌گریست بپا خاست تا آن که در چاله‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام برای وی کنده بود، نشست- در حالی که می‌دید آتش در اطرافش شعله می‌کشد. امام صادق علیه السلام فرمود: در اینجا امیرالمؤمنین علیه السلام گریست و یارانش هم گریستند. امیرالمؤمنین علیه السلام به آن مرد گفت: ای فلان، برخیز؛ تو فرشتگان آسمان و زمین را به گریه درآوردی. خداوند توبهات را پذیرفت. بپا خیز و دیگر به سراغ آنچه انجام دادی، مرو.»

حال شما خودتان قیاس کنید این مولایی که با گریه اش که رحمت است بر عالمین باعث شد لواط کننده بخشیده شود حال بنیم مولای این مجوسیان یعنی کوروش پرست جانی چگونه ادمی هست

کی از امتیازاتی که زرتشتیان امروز برای خود برمی شمردند، آزاد بودن زرتشتیان در تغییر دین، بدون اذیت و آزار از سوی هم دینانشان است. به گواهی تاریخ، اینان در گذشته پوست مردان را زنده زنده می کنند؛ اما در عصر حاضر که به ضعف گراییده اند و توان مقابله با مردان را ندارند، ادعای آزاداندیشی و نجابت را پیش گرفته اند. بنگرید:

«به موجب وندیداد، کیفر بدعت گزاران و از دین برگشتگان (= مردان) مجازاتی هولناک داشت که مجرم را زنده زنده پوست می کنند؛ چنانکه مانی را کردند و بدنش را بندبند و تکه تکه به وسیله ی متخصصان، که در سازمان و اداره ی جرایم مغان و مزدیسنان به خدمت بودند، از هم جدا می کردند.» (دانشنامه ایران باستان، ج ۲، ص ۱۲۴۳)

ایا مولا این ها یعنی کوروش جانی و ادم کش، انسانی را سوزانده؟ براستی اینها که می گویند مولایشان انسانیت دارد حق و حقیقت است یا بویی از انسانیت نبره است؟

اولمستد: "کوروش نبرد دیگری در اوپیس کنار دجله نمود و مردم اکد را با آتش سوزاند." (اومستد، ا.ت، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه دکتر محمد مقدم، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲، ص ۶۸ و ۶۹).

مولایی که نامش در ظاهر انسانیت است اما در عمل توحش او از داعش هم بیشتره

ایا واقعا این کوروش بنا بر رسم انسانیتی که ملی گراها به ان ادعا می کنند عمل کرده یا نه؟ دکتر پرویز رجبی معتقد است کوروش حداقل در دو مورد منشور حقوق بشر را نقض کرده است .

"پرویز رجبی" ایران شناس و نویسنده کتاب "هزاره های گمشده" رفتارهای کوروش در حذف دو امپراتوری "لیدی" و "بابل" را خلاف منشور آزادی کوروش می داند.

رجبی می گوید : « کوروش که علاوه بر فرمانروای مادها، دو امپراتوری بزرگ را برای همیشه از جغرافیای سیاسی جهان حذف کرد، در منشورش آورد که همه آزادند، در صورتی که تصرف یک کشور خلاف منشور آزادی است. بعد از کوروش در زمان داریوش سه بار مردم بابل شوریدند استقلال شان را به دست بیاورند اما سرکوب شدند. این واقعیت را چگونه می توان موافق با منشور آزادی دید. ویرایش سوم کتاب «منشور کورش هخامنشی» (ویرایش دوم، چاپ نهم ۱۳۸۹) از همین نگارنده، با بازنگری عمومی بر اساس مطالعات و بررسی های جدیدتر

کوروش در مدت نزدیک به سی سال سراسر شرق باستان را درنوردید و آنرا به میدان بزرگ جنگ و ناامنی و خونریزی بدل کرد. میدانی که یک سوی آن در غرب آناتولی و سوی دیگرش در شرق آسیای میانه بود. تعداد مردانی که در طول این سالیان دراز کشته و معلول شدند، شمار زنان و اطفالی که بیوه و یتیم و

بی‌خانمان و ربوده شدند، میزان اموالی که به غارت رفت، هزینه‌هایی که از دسترنج مردم بینوا تأمین شد و بر دوش آنان تحمیل گردید، خسارت‌هایی که به اقتصاد و کشاورزی و بازرگانی و پیشه‌ها وارد آمد، زمین‌های سوخته و ویرانی که بر جای ماند، و آسیب و رنجی که به جان و روان، و به فرهنگ و تمدن و آینده بشریت رسید، غیر قابل محاسبه و تخمین است.

این هم سندی دیگر در وحشی‌گری کوروش که ثابت می‌کند او نتنها عادل نبوده بلکه منهج او چیزی جز وحشی‌گری نیست

**این شخص از مناظره فرار کرد**